

نخستین صحنه که در بیرون تخت جمشید ، از تخت جمشید چشمگیر است ، نقش برجسته ایست که شیری درنده ای را نشان میدهد که میخواهد گاوی را بدرد . این صحنه ، بیان « جان آزاری » است . این صحنه نشان میدهد که در فراسوی گستره نیایشگاه و جشنگاه تخت جمشید، تلاش در آزدن جان هست . گاو، نماد « گئو سپنتا = گوسفند » هست . سپنتا ، به معنای « افزاینده » است . افزو دن که **af-zaayitan** باشد به روند زائیدن جان (گئو=gaya) گفته میشود است . گئوسپنتا ، که همه جانداران بی آزار باشند (انسانها نیز جزو آنان شمرده میشوند) نبایستی آزرده شوند . از این رو، معنای دوم سپنتا ، مقدس شده است . جان (زندگی)، مقدس است . جان در فراسوی این گستره در خطر آزرده شدن است . ولی با فرارفتن از سی پله که نماد خدایان زمان ایران هستند، در آستانه در ورود به این گستره (آستانه در = کواد = ارتا فرورد = فروردین) گستره ایست که هیچکس حق آزدن جان را ندارد (-xvan **ratha** = خونیروس = گستره ارتا) . در آستانه این گستره ، داریوش ، شیر را که در فرهنگ ایران، نماد « زدار کامگی » و از « گرک سردگان » است ، از کار میاندازد ، و حق ورود به این گستره نمیدهد . این همان اندیشه قداست جان در گستره ارتا یا سیمرغ هست . در این گستره ، حق و امکان جان آزاری نیست . اینست که در سراسر تخت جمشید، هیچ صحنه ارتشی و جنگی نیست .

